

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۰۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۴

## وقت‌انگاری بازگشت موعود و پیدایش فرقه‌های جدید؛ ادونتیست‌ها، شهود یهوه و بهائیت

رضا کاظمی‌راد<sup>۱</sup>

مهراب صادق‌نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

پس از مشاجره‌های کلامی بر سر موضوع صفات خدا، شاید مهم‌ترین انگاره‌ای که مشاجره بر سر آن به ایجاد ادیان یا گروه‌های دینی جدید انجامیده است، موعودباوری باشد. به باور نویسندگان این مقاله، یکی از دلایل پیدایش فرقه‌های نوپدید دینی، پیش‌گویی زمانی مشخص برای ظهور منجی است. گاهی تعیین زمانی خاص در آینده سبب شده است گروهی بر اساس همین باورگرد هم آیند و ارزش‌ها و پنداره‌های مشترکی شکل دهند و در نهایت، گروه دینی مشترک بسازند که حتی پس از روشن شدن نادرستی پیش‌گویی‌شان، باز هم بر آن ارزش‌ها و انگاره‌های مشترک تأکید دارند. در مسیحیت به ادونتیست‌ها و شاهدان یهوه و در اسلام به بهائیت می‌توان اشاره کرد. این فرقه‌های نوپدید دینی بر اساس پنداره پیش‌گویانه رهبران‌شان شکل گرفته‌اند. البته این پیش‌گویی در هر کدام از آن‌ها نقشی متفاوت ایفا کرده و تأثیری خاص داشته است.

### کلیدواژگان

موعودگرایی، ادونتیست‌ها، شاهدان یهوه، بهائیت، میلر، راسل، حسین علی بهاء.

۱. دانشجوی دکتری الهیات مسیحی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) (R.Kazemirad1365@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

با نگاهی گذرا به الهیات ادیان زنده به نقطه اشتراکی برمی‌خوریم که از وقوع رویدادی مهم حکایت دارد. در الهیات و تاریخ همه‌ی این ادیان به دوره‌ای به نام «آخراالزمان» اشاره شده است. این دوره دست‌خوش رخداد‌های عظیمی خواهد بود که ظهور منجی موعود از جمله‌ی آنهاست. اخبار، تعالیم و مطالب فراوانی در منابع دینی هر سه دین ابراهیمی در خصوص ظهور منجی موعود آمده است. یهودیان چشم‌انتظار ظهور مسیحای موعود عهد عتیق هستند. مسیحیان معتقدند عیسی برای بار دوم به زمین بازخواهد گشت و به داوری خواهد پرداخت و مسلمانان نیز مطابق قول غالب، ظهور مهدی موعود علیه السلام را به انتظار نشسته‌اند. در این میان، با توجه به اهمیت موضوع ظهور منجی موعود و انتظار پیروان ادیان برای تحقق آن، زمینه برای سوء استفاده از این آموزه به ویژه در اسلام و مسیحیت فراهم شده است، به گونه‌ای که برخی با ایجاد انحراف در این آموزه، اسباب ایجاد شقاق در دین را فراهم آورده و با فرقه‌سازی، بخشی از پیروان این ادیان را از آنها جدا کرده‌اند. از این رو، این آموزه با وجود کارکرد نجات‌بخشی خود، به دلیل سوء استفاده برخی فرصت‌طلبان، زمینه‌ساز تشکیل فرقه‌های جدید شده است. پنج روش فرقه‌سازی عبارتند از: مدعی منجی موعود بودن، ادعای نیابت از منجی موعود، تاریخ‌پنداری برای ظهور منجی، ادعای کشف و مکاشفه و سوء استفاده از وضعیت اجتماعی خاص پررنگ شدن انتظار در میان مردم.

### نقش توقیت در پیدایش فرقه‌های جدید

نکته مهم در باب ظهور منجی موعود این است که در هیچ کدام از سه دین ابراهیمی، زمان قطعی و تاریخی دقیق برای ظهور مشخص نشده است، بلکه در هر سه دین به ویژه در مسیحیت، ظهور منجی موعود در دوره‌ای پیش‌بینی شده است که عموماً «آخراالزمان» نامیده می‌شود. از قضا در تعالیم این ادیان به ویژه دین اسلام، وقت‌پنداری برای ظهور منجی که به آن «توقیت» نیز می‌گویند، امری بسیار نکوهیده است و قائلین به آن، دروغ‌گو معرفی می‌شوند. با این حال، در دو دین اسلام و مسیحیت، برخی با تعیین تاریخی (کاملاً یا نسبتاً) مشخص، ظهور منجی موعود را پیش‌بینی کرده‌اند. نفس همین موضوع، زمینه اختلاف و جدایی باورمندان به چنین انگاره‌ای را از دین اصلی فراهم آورده است و گاهی گروهی بر اساس باور به این گونه پیش‌بینی و تاریخ‌پنداری گرد هم آمده و به تدریج، با ابداع و جعل باورها و ارزش‌های مشترک، فرقه‌ای مستقل تشکیل داده و از دین اصلی خود جدا شده‌اند. شیوه این

گونه تاریخ‌پنداری‌ها و نمود یافتن آن در فرقه‌های اسلامی و مسیحی شاید متفاوت باشد، اما همگی بن‌مایه کاملاً مشترکی دارند که همان تاریخ‌پنداری برای ظهور منجی موعود است.

### بررسی نقش تاریخ‌پنداری در پیدایش فرقه ادونتیست‌ها<sup>۱</sup>

یکی از فرقه‌های مسیحی که تاریخ‌پنداری برای ظهور را در پیدایش آن می‌توان مؤثر دانست، فرقه ادونتیست‌هاست. کشاورزی انگلیسی به نام «ویلیام میلر»،<sup>۲</sup> فرقه ادونتیست‌ها را در نیمه اول قرن نوزدهم ایجاد کرد. او تحصیلات رسمی نداشت، اما با خواندن کتاب مقدس و برجسته کردن فرازهایی از کتاب مقدس و انجام محاسبه‌های عددی مخصوص، بازگشت مسیح را در زمانی بین ۲۱ مارس ۱۸۴۳ یا حداکثر ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تعیین و اعلام کرد. (رسول‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۳۳) میلر فرازهای مورد نظرش را از رساله دوم پطرس انتخاب کرده بود که می‌گوید: «روز خدا چون دزد خواهد آمد که در آن، آسمان‌ها به صدای عظیم فرو خواهند پاشید و عناصر سوخته شده از هم خواهد گسست و زمین و کارهایی که در آن هست، خواهد سوخت». (رساله دوم پطرس، ۳: ۱۰-۸) فراز دیگر، این بخش از کتاب دانیال بود: «و او به من گفت: تا دو هزار و سیصد شام و صبح تطهیر خواهد شد.» (دانیال، ۸: ۱۴) و نیز این آیات: «هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدست مقرر است تا تقصیرهای آنها تمام شود و گناهان آنها به انجام رسد و کفاره به جهت عصیان کرده شود و عدالت جاودانی آورده شود و رؤیا و نبوت مختوم گردد و قدس‌الاقداس مسح شود. پس بدان و بفهم که از صدور فرمان به جهت تعمیر و بنا کردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود و (اورشلیم) با کوچه‌ها و حصار در زمان‌های تنگی تعمیر و بنا خواهد شد. و بعد از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود، بلکه قوم آن رئیس که می‌آید، شهر و قدس را خراب خواهند ساخت...» (دانیال، ۸: ۲۷-۲۴)

میلر این نتیجه‌گیری خود را از سال ۱۸۳۱ منتشر ساخت و اولین موعظه خود را در این سال بیان کرد. موعظه او ظاهراً چنان قانع‌کننده بود که بیش از هفت صد کشیش از فرقه‌های مختلف، او را به منبرهای خود دعوت کردند و به او یاری رساندند تا این ایده را تبلیغ کند. (جو ویور، ۱۳۸۱: ۲۷۳) او در کلیساهای تعمیدی، کانگرگیشنالیسم<sup>۳</sup> و متدیست<sup>۴</sup> درباره این موضوع سخنرانی کرد و در سال ۱۸۳۴ به عنوان واعظ در کلیسای تعمیدی پذیرفته شد. در نتیجه

1. Adventists  
2. William Miller  
3. Congregationalism  
4. Methodist

سخنرانی‌های او بسیاری از مردم تغییرکیش دادند و روز به روز بر شمار پیروان میلر افزوده شد. طرفداران وی مجلات و روزنامه‌های زیادی منتشر کردند، از جمله مجله ویژه این نهضت با نام «نشانه‌های زمان موعود» که در سال ۱۸۴۰ در شهر بوستون آغاز به کار کرد. این مجله بعداً به «منادی ظهور» تغییر نام داد. از دیگر روزنامه‌های منتشر شده به وسیله پیروان میلر به گاه‌نامه‌های «فریاد نیمه شب» و «شیپور حاضر باش» می‌توان اشاره کرد.

با نزدیک شدن به زمان اعلان شده از جانب میلر، شور و اشتیاق فراوانی در میان منتظران پدیدار شد. آن سال، بسیاری از مردم که در حالت انتظار شدید به سر می‌بردند، اموال خود را فروختند یا بخشیدند. روز موعود (۲۱ مارس ۱۸۴۳) از راه رسید، ولی آرزوها تحقق نیافت. (مولند، ۱۳۶۸: ۴۳۴) میلر و پیروانش، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را به عنوان تاریخ دوم برای ظهور تعیین کردند. در زمان تغییر وقت رجعت مسیح به سال ۱۸۴۴، نزدیک به یک میلیون نفر جماعت‌های خود را رها کردند. (جو ویور، ۱۳۸۱) ادونتیست‌ها با وجود مسخره شدن به دست رقیبان، رشته مبارزات تبلیغی احیاگرانه را آغاز کردند، ولی بار دیگر دچار نومیدی شدند؛ زیرا در تاریخ دوم نیز رجعتی صورت نگرفت. باز نگشتن مسیح سبب شد معتقدان ظهور در کنفرانس سالانه، این روز را «روز ناامیدی بزرگ» نام‌گذاری کنند. (Safra, 2006: 13) بسیاری از پیروان میلر و حتی خود او نیز دچار سرخوردگی شدند.

میلر در سال ۱۸۴۵ از مردم عذرخواهی کرد و پذیرفت که محاسبه در تعیین روز بازگشت مسیح اشتباه بوده است و دیگر در آینده چنین پیش‌گویی‌هایی نخواهد کرد. پس از این بحران‌ها، عده زیادی از معتقدان، کلیساهای خود را کاملاً ترک کردند، برخی هم از کلیساهای خود اخراج شدند و خود میلر هم از سوی کلیسای تعمیدی تکفیر شد. از این رو، این راندگان از کلیسا مجبور شدند تشکیلاتی مخصوص به خود ایجاد کنند. پیروان میلر در سیاست، طرفدار کانگریگیشنالیسم،<sup>۱</sup> در تعمید، طرفدار کلیسای تعمیدی (بپتیست) و در دکترین و اعتقادات، پروتستان افراطی با تمایلات شدید مکاشفه‌ای شدند. (مولند، ۱۳۶۸: ۴۳۵)

نسل دوم از ادونتیست‌ها، رویدادهای سال‌های ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۴ را از نو تعبیر کردند و مدعی شدند مسیح در آن سال‌ها بازگشته، اما در قلمرویی آسمانی و نامرئی با پدر می‌زیسته است. ادونتیست‌ها کوشش برای تعیین زمان دقیق بازگشت مسیح را ترک کردند و خود را با اعتقاد به قریب‌الوقوع بودن این واقعه اقناع کردند و به ترویج گیاه‌خواری، پرهیز دادن از مواد مخدر و دیگر اقدامات سالم‌سازی روی آوردند. از میان انشعاب‌های متعددی که در فرقه ادونتیسم به

1. congregationalism

وجود آمد، گروه «ادونتیست‌های روز هفتم»<sup>۱</sup> از جایگاه و شهرت بیشتری برخوردارند. اعتقاد اساسی ادونتیست‌ها، اعتقاد به قریب‌الوقوع بودن رجعت مسیح، مجازات بدکاران و پاداش نیکوکاران است. (جو ویور، ۱۳۸۱: ۲۷۳) خود واژه «ادونتیسم» نشان می‌دهد که آنها در انتظار بازگشت مسیح هستند و انتظاری عمیق‌تر از دیگر فرقه‌ها دارند. آنها نه تنها انتظاروی را می‌کشند، بلکه بر این باورند که ظهوروی به زودی رخ خواهد داد. به اعتقاد آنها، «او شخصا باز خواهد آمد، دقیقاً به همان سان که رفت». (اعمال رسولان، ۱: ۱۱) ادونتیست‌ها همچنین به سلطنت هزار ساله مسیح معتقدند. به اعتقاد آنها، آن دسته از پیروان مسیح که در بازگشت دوباره او زنده می‌شوند یا به آسمان عروج می‌کنند، زندگی و سلطنت هزار ساله را با مسیح تجربه خواهند کرد. (مکاشفه، ۴: ۲۰) البته ادونتیست‌ها عقیده دارند که این سلطنت در آسمان به وقوع خواهد پیوست، نه روی زمینی که در این دوره به بیابانی متروک و خالی از سکنه تبدیل خواهد شد. (راستن، ۱۳۸۵: ۵۱) در پایان سلطنت هزار ساله نیز مردگان از جمله مفسدان زنده خواهند شد و داوری صورت خواهد گرفت. «ادونتیست‌های روز هفتم» مدعی هستند که زمان معین و خاصی برای آمدن مسیح در نظر ندارند. آنها این گفته مسیح را قبول دارند که «از آن روز و ساعت، هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس»، (متی، ۲۴: ۳۶) ولی به این گفته او اهمیت خاص می‌دهند که «چون این چیزها را واقع ببینید، بدانید که نزدیک، بلکه بر دراست». (مرقس، ۱۳: ۲۹)

### ایجاد فرقه شاهدان یهوه بر اساس بیان تاریخ خاص برای ظهور منجی موعود

یکی دیگر از فرقه‌های مسیحی که ذکر تاریخ برای بازگشت عیسی مسیح در پیدایش آن نقش اساسی داشته، فرقه‌ی «شاهدان یهوه»<sup>۲</sup> است. مؤسس این فرقه، چارلز تیز راسل،<sup>۳</sup> قرائتی جدید و عقایدی تازه را وارد دنیای مسیحیت کرد. راسل تا پیش از آنکه ادعاهای خود را به صورت علنی اعلام کند، فعالیت‌هایش صرفاً به عضویت در گروه مطالعه کتاب مقدس محدود می‌شد. او در سال ۱۸۷۰ به همراه جمع کوچکی به مطالعه و تحقیق در کتاب مقدس روی آورد. البته این گروه در ادامه شکل منسجم‌تری به خود گرفت و با چاپ اولین نسخه از مجله «برج دیده‌بانی صهیون و بشارت حضور مسیح» رسمیت بیشتری یافت. (جورج رحمه، ۲۰۰۱: ص ۷؛ السحمرانی، ۱۴۲۱: ۱۲) وی پس از محاسبات زیادی که در سال ۱۸۷۶ انجام

1. Seventh day Adventists  
2. Jehovah's Witnesses  
3. Charles Taze Russell

داد، به این نتیجه رسید که مسیح موعود در سال ۱۸۷۴ به صورت نامرئی به زمین بازگشته است. (عمر حماده، ۲۰۰۳: ۲۰) شاید این پیش‌گویی را از یک نظر بتوان سنگ بنای اصلی تشکیل فرقه شاهدان یهوه دانست و از جهت دیگر، نقطه‌ی شروع پراکندگی میان مسیحیت و شاهدان یهوه. راسل علاوه بر پیش‌گویی به ظهور عیسی در سال ۱۸۷۴، در سال ۱۸۸۰ مدعی شد که در سال ۱۹۱۴، سلطنت خدا بر زمین شروع خواهد شد. (موحدیان عطار، ۱۳۸۱: ۲۵) از این رو، این تاریخ نزد شاهدان یهوه اهمیت خاصی دارد. آنها معتقد بودند در این سال، عیسی مسیح به عنوان پادشاه در دولت آسمانی خداوند شروع به حکومت خواهد کرد. (Richard, 2002: 367)

پس از راسل، رادر فورد،<sup>۱</sup> جانشین وی نیز تاریخ اعلام شده از سوی راسل را تأیید کرد و آن را خدشه‌ناپذیر دانست. دیدگاه چارلز راسل این بود که جنگ آرماگدون در سال ۱۹۱۴ صورت خواهد گرفت و با پایان یافتن آن، ملکوت خدا بر زمین آغاز خواهد شد. پس از آنکه پیش‌گویی یادشده در تاریخ ذکر شده تحقق نیافت، تاریخ‌های دیگری برای آن اعلام شد. پس از ۱۹۱۴، سال ۱۹۱۸ به عنوان تاریخ جدید، اعلام و تأکید شد که در این سال، تمامی کلیساها و اعضای آنها از بین خواهند رفت. حتی رادر فورد اعلام کرد که چند ماه پیشتر تا پایان همه چیز فرصت باقی نمانده است. (جورج رحمه، ۲۰۰۱: ۲۴-۲۳) این تاریخ دوباره اصلاح شد و سال ۱۹۲۵ را به عنوان سال آغاز سلطنت خداوند جای‌گزین کردند. رادر فورد در این باره گفت: «ما توقع داریم که سال ۱۹۲۵ هنگامه بازگشت ابراهیم، اسحاق، یعقوب و دیگر انبیای قدیم باشد.» همچنین این سال را سال برانگیخته شدن مردگان از قبر و بازگشت آنها به زندگی دانست (همان) و بر این باور بود که از میان آنها افرادی کامل، حاکمان زمین خواهند شد. (همان: ۲۰۱)

شاهدان یهوه بر این امر تأکید می‌کنند که عیسی مسیح در سال ۱۹۱۴ به طور نامرئی به زمین بازگشته و بر تخت پادشاهی الهی خود تکیه زده است. با این حال، «جامعه برج دیده‌بانی»<sup>۲</sup> در اول نوامبر ۱۹۹۵ از این ادعای شاهدان یهوه مبنی بر اینکه پایان دوران (یعنی وقوع جنگ آرماگدون و ایجاد بهشت) در نسل سال ۱۹۱۴ روی داده است، دست کشید. اکنون شاهدان یهوه بدون اعتقاد به افق زمانی خاصی برای پایان دوران و نیز اعتقادات و انتظارات هزاره‌ای خود زندگی می‌کنند. (Richard, 2002: 364)

1. Rutherford,  
2. the watchtower society.

رویه‌ای را که چارلز راسل بنا نهاد، جانشینان وی همچون رادر فورد و کنور<sup>۱</sup> ادامه دادند. همه کسانی که به دعوت جدید راسل می‌پیوستند، به نوعی از مسیحیت رسمی جدا می‌شدند. بر اساس مفاد پیش‌گویی راسل، اولاً زمان زیادی تا بازگشت عیسی مسیح و وقوع نبرد نهایی باقی نمانده بود. ثانیاً تنها پذیرندگان دعوت وی یعنی همان شاهدان بیهوه، اُمنّا و برگزیدگان روی زمین می‌بودند. (عمر حماد، ۲۰۰۳: ۵۵) کسانی که به دعوت و پیش‌گویی چارلز راسل ایمان می‌آوردند، باید به عقاید خاصی باورمند می‌شدند که بر آن پیش‌گویی مترتب بود. مجموعه این عقاید که در مسیحیت رسمی وجود نداشت، سبب می‌شد ایمان‌آورنده از دایره مسیحیت رسمی خارج شود. نخستین ویژگی که ایمان‌عضو انجمن و به تعبیر دیگر، فرقه شاهدان بیهوه را از ایمان مسیحی معمولی متفاوت نشان می‌داد، باور به اصل پیش‌گویی چارلز راسل و پذیرفتن آن بود. پذیرش صحت این پیش‌گویی بدین معنا بود که فرد باید معتقد می‌شد ظهور مجدد مسیح که مسیحیت رسمی کلیسای انتظار وقوع آن را در آخرالزمان می‌کشید، به وقوع پیوسته است. همچنین عضو باید معتقد باشد نبرد نهایی خیر و شر و جنگ آرماگدون به زودی رخ خواهد داد؛ امری که پیروان کلیسای رسمی دست کم در آن زمان نزدیک (یعنی دهه‌ی اول قرن بیستم) انتظار وقوع آن را نداشتند. علاوه بر آن، عضو فرقه شاهدان بیهوه باید تمامی پیش‌گویی‌ها در مورد سال‌های مختلف را باور می‌کرد.

### نقش تاریخ‌پنداری برای ظهور در پیدایش فرقه بهائیت

فرقه بابیت با ظهور علی محمد شیرازی و ادعای بابیت امام زمان علیه السلام از جانب وی در هزارمین سال از شروع غیبت آن حضرت و پذیرش ادعای او از سوی عده‌ای از جمله پیروان شیخیه پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. باب مورد اعتقاد بابیان به بابیت خود اکتفا نکرد و سیر ادعاهای خود را تا الوهیت و ربوبیت رسانید، اما نام این فرقه بر همان بابیت باقی ماند. علی محمد باب سرانجام دین جدیدی آورد که آن را ناسخ دین اسلام دانست و «بیان» را برای عرضه برگزید و آن را ظهور مستقلی در ردیف ظهورات سابقه متصور شد. (کاشانی، ۱۹۱۰: ۲۳) سپس به ظهور موعودی بشارت داد که در آینده خواهد آمد و ناسخ «بیان» خواهد بود. او این موعود را «من یظهره الله» نامید و جملات، توصیف‌ها و توصیه‌های بسیاری به پیروان خود کرد. در کتاب‌های باب به ویژه کتاب «بیان»، برخی صفات «من یظهره الله» ذکر شده است از جمله اینکه: «من یظهره الله، کتاب ناطق است و وقت ظهور او، ایمان جمیع منقطع می‌شود

1. Knor

مگر کسانی که به او ایمان آوردند»، «هر کس به او ایمان آورد، به خدا ایمان آورده است»، «هر اسم خیری که در بیان نازل شده، مراد، من یظهره الله است»، «بیان، میزان حق است الی یوم من یظهره الله»، «قیامت بیان، ظهور من یظهره الله است»، «یوم ظهور او، یوم بعث کل و حشر کل و خروج کل از قبر است»، «مقابل من یظهره الله، شجره نفی است که شامل است کل نفوس غیر مقبله الیه را»، (همان: ۲۹) «من یظهره الله، احق است از کل شیء به کل شیء از نفس کل شیء»، «وی در آنچه می‌کند، مسئول هیچ کس نیست و احدی را نمی‌رسد که در حق او لِم و بِم ذکر نماید»، «وی، باب اول جَنَّت و اسم اعظم ظاهر به الوهیت است»، (همان) «من یظهره الله، مبدأ اسماء و صفات الهی است»، «کل ظهورات و ظهور قائم آل محمد از برای من یظهره الله خلق شده است». (همان)

باب، خود را مبشّر «من یظهره الله» می‌دانست. از این رو، در باب شانزدهم از واحد دوم کتاب بیان فارسی به پیروان و مریدان خود نوشت: «وصیت می‌کنم کل اهل بیان را اگر در حین ظهور من یظهره الله کل، موفق به آن جَنَّت عظیم و لقای اکبر گردید، طوبی لکم ثم طوبی لکم ثم طوبی لکم». از جملات باب مشخص می‌شود که «من یظهره الله» جایگاهی بسیار رفیع و مقامی متعالی دارد که چنین اوصافی را برای او قائل است. چنین شخصی اگر قرار است آن گونه که باب می‌گوید مظهر اسماء و صفات الهی و باب جَنَّت و شخصی باشد که به تصریح وی، احکام کثیره موجود در «بیان» برای احترام و تذکر (یادآوری) او وضع شده است، نمی‌تواند انسانی عادی باشد. (نجفی، ۱۳۵۷: ۲۱۶)

پس از اعدام علی محمد باب، پیروان وی به عراق رفتند و پس از اقامتی یازده ساله در کشور عراق به سمت ترکیه کوچانده شدند. آنها از سال ۱۲۶۹ تا سال ۱۲۸۰ هـ ق در عراق اقامت داشتند و انتقال آنها به سرزمین عثمانی با توافق دولت ایران و دولت عثمانی صورت گرفت. در چنین وضعیتی بود که میرزا حسین علی نوری، خود را «من یظهره الله» و «منجی کتاب بیان» معرفی کرد. برای درک بهتر وضعیت زمان صدور ادعای «من یظهره الله» از جانب حسین علی نوری (بهاء) باید اقدامات و فعالیت‌های او در دوره اقامت یازده ساله بایبان در عراق بررسی شود. بایبان در یک دهه حضور در سرزمین عتبات عالیات تصور می‌کردند (و البته خود حسین علی نوری نیز چنین وانمود می‌کرد) که او به فرمان برادرش، «صبح ازل» صرفاً در پی ترویج آیین بابیت است. بررسی کتاب «ایقان» اثر نوری که در همان ایام نوشته شده است، صحت این مطلب را تأیید می‌کند؛ زیرا محتوای آن به طور کامل درباره حقانیت باب و آیین اوست. (موسوی، ۱۳۸۹: ۲۰۲) آیتی در الکواکب الدریه در این باره می‌نویسد: «خلاصه چون



مدت یازده سال توقف آن حضرت در بغداد امتداد یافت، وصیت و شهرتی فوق تصور حاصل شد و نظریات مردم مختلف گاهی حضرتش را مدعی مقام بالاتر از مقام نقطه اولی<sup>۱</sup> می‌شمردند و بعضی آن حضرت را مروّج «بیان» می‌شناختند، نه ناسخ و مجدّد. کوتاه‌نظران چند، آن حضرت را نایب ازل تصور می‌کردند و چنان می‌پنداشتند که ازل در خلف حجاب قدس تعلیم می‌دهد و آن حضرت ترویج می‌نماید». (آیتی، ۱۳۴۲: ۳۰۰) با این تفسیرها مشخص می‌شود که میرزا حسین علی بهاء در مدت اقامت در عراق به عنوان اداره‌کننده‌ی دستگاه برادرش، صبح ازل (البته از دید بابیان) در حال تهیه و تدارک مقدمات ظهور ادعای خود بود. احمد کسروی در این باره می‌نویسد: «بهاء در آن چند سال (اقامت در عراق)، برخی از سران بابی را به سوی خود کشانیده و از آن سو نیز با بابیانی که در ایران نهانی می‌زیستند، نامه‌نویسی‌ها کرده، زمینه را برای خود آماده گردانیده بود». (کسروی، ۱۳۲۳: ۴۳)

بهاء که مقدمات اعلان علنی ادعای خود را تا حدودی فراهم ساخته بود، با ورود بابیان به شهر ادرنه در ترکیه که بهابیان آن را «ارض سر» می‌دانند، اوضاع را برای آشکارسازی ادعایش بر وفق مراد دید. بهاء پیش از عزیمت، در باغ نجیبیه بغداد که آن را به نام «باغ رضوان» می‌شناسند، ادعای «من یظهره اللهی» خود را به گوش مریدان نزدیکش رسانده و به گفته شوقی افندی در «قرن بدیع»، مأموریت مقدس و مهیمن خویش را به اصحاب و احباب اعلان فرموده بود، ولی ادعای خود را علنی نکرده بود. (نجفی، ۱۳۵۷: ۳۲۵) شوقی ادعای «من یظهره اللهی» بهاء را در بغداد مقدمه اعلان عمومی «امر الله» و ابلاغ «رحمة الله» در «ارض سر» دانسته است. به هر ترتیب، حسین علی بهاء با غنیمت شمردن فرصت به دست آمده (نبود رهبری مقتدر برای بهابیان)، اوضاع را به دست گرفته و ندای «من یظهره اللهی» سرداد. وی اعلام کرد: «آن کس که می‌بایست پدید آید، منم. باب، مژده‌رسانی برای پیدایش من بود». (کسروی، ۱۳۲۳: ۴۴) او همچنین درباره‌ی جانشینی صبح ازل از باب و تبعیت وی از ازل می‌گوید: «اینکه در این چند سال، ازل، جانشین باب و پیشوای بابیان نشان داده شده، برای این می‌بوده که هوش‌ها به آن سو گردد و من و جایگاهم از دیده‌ها کور مانده، از گزند و آسیب ایمن باشم». (همان) به این ترتیب، گروهی از بابیان این ادعای او را پذیرفتند و «بهابیت» به طور رسمی پایه‌گذاری شد.

تشکیل «بهابیت»، سرآغاز شکاف و چنددستگی میان بابیان بود؛ زیرا بسیاری از بابیانی که

۱. منظور از نقطه اولی، علی محمد باب است.

همگی پس از باب، مرید یحیی صبح ازل شده بودند، پس از مدتی حیرت و تردید، دعوی میرزا حسین علی را پذیرفتند و از گرد صبح ازل متفرق شدند. (کاشانی، ۱۹۱۰: ۴۲ «مب») این فرقه بر اساس ادعای حسین علی بهاء شکل گرفت که خود را همان منجی موعود و «من یظهره الله» می دانست، اما نباید غافل شد که عامل اصلی در این زمینه، پیش گویی یا پیش بینی باب درباره ظهور «من یظهره الله» بود. بی تردید، اگر باب در نوشته های خود به ویژه در کتاب «بیان» از «من یظهره الله» و موعود حرفی به میان نمی آورد، شاید اساساً چنین فضایی برای شخص حسین علی بهاء (و دیگر مدعیان من یظهره اللهی) پیش نمی آمد که با چنین ادعایی، فرقه سازی و در بابیت انشعاب ایجاد کنند. به هر ترتیب، اعلام باب مبنی بر «ظهور من یظهره الله» در آینده، مستمسکی شد تا حسین علی بهاء تاریخ بابیه را با ظهور خود و (تأسیس فرقه بهائیت از دل آن) به سمت و سوی دیگری هدایت کند.

### نتیجه گیری

وجه مشترک سه فرقه ادونتیست ها و شاهدان بیهوه در مسیحیت و بهائیت در اسلام، عامل و شیوه پیدایش آنها است. در هر سه فرقه، تاریخی برای ظهور منجی موعود و مسیحای منتظر از جانب فردی خاص بیان می شود و همین ذکر تاریخ، منجر به ایجاد فرآیندی می شود که پایان آن، پیدایش فرقه ای با عقاید خاص و متفاوت از خاستگاه خود است. البته تفاوت هایی نیز میان این فرقه ها مشاهده می شود. برای نمونه، در دو فرقه مسیحی، زمان معین و مشخصی برای ظهور مسیحای منتظر پیش بینی شده، اما در بهائیت از تاریخ دقیق ظهور موعود ذکری به میان نیامده، بلکه شخص موعود و زمان تقریبی ظهور مشخص شده است. همچنین در دو فرقه مسیحی، فرد پیش بینی کننده ی تاریخ ظهور، خود، مؤسس فرقه است، اما در بهائیت، مؤسس فرقه صرفاً با ادعای تطبیق خود و زمان خود بر موعود و زمان ظهور موعود بابیت فرقه ایجاد می کند. نکته انکارناپذیر این است که اگر عامل تاریخ پنداری برای ظهور را از تاریخ و هویت این سه فرقه نادیده بگیریم، اساس و ماهیت ایجاد آنها زیر سؤال خواهد رفت. همین مسئله، نکته اشتراک هر سه فرقه در نحوه پیدایش آنها به شمار می رود و آنها را زیرمجموعه عامل تاریخ پنداری برای ظهور و نقش آن در پیدایش فرقه ها قرار می دهد.

## منابع

- آیتی، عبدالحسین (۱۳۴۲). الكواكب الدرّیه فی مآثر البهائیه، قاهره: مطبعه السعاده، چاپ اول.
- جو ویور، مری (۱۳۸۱). درآمدی به مسیحیت، ترجمه: حسن قنبری، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- راستن، لئو (۱۳۸۵). فرهنگ تحلیلی مذاهب امریکایی، ترجمه: محمد بقایی (ماکان)، تهران: حکمت، چاپ سوم.
- رحمة، جورج و پل حصری (۲۰۰۱). الكنيسه الكاتوليكیه و البدع، بیروت: مرکز الدراسات و الابحاث المشرقيه.
- رستم، سعد (۲۰۰۴). الفرق و المذاهب المسيحيه منذ ظهور الاسلام حتى اليوم، دراسة تاريخية دينية سياسية اجتماعية، دمشق: الاوائل، چاپ اول.
- رسول زاده، عباس و جواد باغبانی (۱۳۸۹). شناخت مسیحیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۰). بهائیت در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- السحمرانی، اسعد (۱۴۲۱). شهود يهوه نشأتهم و افکارهم، بیروت: دارالنفائس.
- شیرازی، علی محمد (بی تا). بیان فارسی، بی جا، بی نا.
- عمر حمادة، حسین (۲۰۰۳). شهود يهوه بين برج المراقبة الامريكي و قاعة الملكوت التوراتي، دمشق: دارالوثاق، چاپ اول.
- فلاحتی، حمید و مهدی فاطمی نیا (۱۳۹۰). دیدار با تاریکی، تهران: عابد، چاپ اول.
- کاشانی، میرزاجانی (۱۹۱۰). نقطه الکاف، با مقدمه فارسی ادوارد براون، هلند: بریل.
- کسروی، احمد (۱۳۲۳). بهایی گری، تهران: پیمان، چاپ دوم.
- موحدیان عطار، علی و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). گونه شناسی اندیشه منجی موعود، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- موسوی، علی و امیر مستوفیان (۱۳۸۹). نشستی تحقیقی با باب و بهاء، تهران: راه نیکان، چاپ اول.
- مولند، اینار (۱۳۶۸). جهان مسیحیت، ترجمه: مسیح مهاجری و محمد باقر انصاری، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.

- نجفی، سید محمدباقر (۱۳۵۷). بهاییان، تهران: طهوری.
- نوری، حسین علی (۱۳۱۴). کتاب اقدس، بمبئی: مطبع ناصری.
- Chrystides, George D ( 2001 ). Exploring new religions, New York: continuum.
- Holden, Andrew (2002). Jehovah's witnesses, portrait of a contemporary religious movement, New York, Rout ledge.
- Richard, .A . (2002). Encyclopedia of Millennialism, London: Rout ledge , 2000.
- Safra, Jacob E. (2006). Britannica Encyclopedia of World Religions, London: Britannica Encyclopedia Inc.

